



نقد دیدگاه وهابیت درباره سفر برای زیارت قبور انبیا و صالحان

علی اصغر کمالی*

چکیده

وهابیان در شدّ رحال و سفر برای زیارت قبور خدشه وارد کرده‌اند؛ آن را حرام و بدعت بر می‌شمارند. در این مقاله دلایل وهابیان در خصوص بدعی بودن شدّ رحال بیان شده و بررسی خواهد شد. به طور خاص روایت «لا تشدُّ الرِّحالُ إلّا إلی ثلاثة مساجد»، به عنوان اصلی‌ترین دلیل آنان بر حرمت و بدعت بودن سفر به جهت زیارت قبور، بررسی می‌گردد. نوشتار حاضر با استناد به سخنان عالمان اهل سنت، همچنین سیره سلف صالح و روایات بسیار زیاد در استحباب سفر برای زیارت، سُستی کلام وهابیان در منع شد رحال و سفر برای زیارت قبور انبیاء و صالحان را اثبات کرده است.

کلیدواژه‌ها: وهابیت، سفر برای زیارت قبور، شدّ رحال، زیارت.

مقدمه

علمای فریقین، بر استحباب زیارت قبور اولیای الهی، به‌ویژه قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تأکید دارند و روایات زیادی درخصوص مقدمات، اهمیت، فضیلت و آثار زیارت، از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله صادر شده است؛ اما وهابیان با تمسک به حدیثی، سفر برای زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله را حرام و آن را بدعت می‌دانند.^۱

امروزه وهابی‌ها، اگرچه اصل زیارت قبور را جایز می‌دانند؛^۲ ولی قائل به حرمت سفر برای زیارت قبورند در این مقاله با بررسی دلایل وهابیت و نقد آن، به این نتیجه می‌رسیم که ادله وهابیت ضعیف است و دلایل موافقان سفر برای زیارت قبور اولیای الهی، صحیح و از اتقان برخوردار است.

الف: تقریر محل نزاع

وهابیان با اصل زیارت قبور موافق‌اند، ولی با شدّ رحال برای زیارت مخالف. برای اثبات این ادعا می‌توانیم به فتوای لجنة علمای وهابی عربستان در این خصوص، استدلال کنیم. فتوا این است که زیارت قبور انبیا و صالحان، به‌ویژه قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مستحب است، به شرط آنکه، بدون شدّ رحال باشد؛ ولی شدّ رحال برای زیارت قبور انبیا و صالحان بدعت است.^۳

عبدالعزیز بن باز، از علمای وهابی، بر این باور است که برای مسلمانان مشروع است که بعد از نماز در مسجد النبی صلی الله علیه و آله، به سوی قبر پیامبر صلی الله علیه و آله توجه کنند، به‌صورت مؤدبانه جلوی قبر بایستند و به ایشان سلام دهند.^۴ نظر وی بر این است که سلام بر

۱. « شد الرحال إلى زيارة القبور أيًا كانت هذه القبور لا يجوز؛ (العثيمين، محمد بن صالح، مجموع فتاوى ورسائل، ج ۲ ص ۲۳۷). » أما شد الرحال إلى القبور فلا يجوز، (بن باز، عبد العزيز بن عبد الله، فتاوى نور على الدرب، ج ۲، ص ۲۶۳). « لا يجوز شد الرحال لزيارة قبور الأنبياء والصالحين وغيرهم، بل هو بدعة، (الدويش، أحمد بن عبد الرزاق، فتاوى اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء، ج ۱، ص ۴۳۱). »

۲. « زيارة القبور سنة للرجال دون النساء، على الصحيح من قولي العلماء، (الدويش، أحمد بن عبد الرزاق، فتاوى اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء، ج ۹، ص ۱۰۰). »

۳. الدويش، أحمد بن عبد الرزاق، فتاوى اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء، ج ۱، ص ۴۳۱.

۴. بن باز، عبد العزيز، مجموع الفتاوى، ج ۲، ص ۳۹۳.

پیامبر اکرم ﷺ فضیلت دارد^۱ و سنت این گونه است که زائر وقتی به مسجد النبی ﷺ رسید، نماز بخواند و بعد از آن، قبر نبی اکرم ﷺ را زیارت کند^۲ و همچنین زیارت دیگر قبور مسلمانان در مکان‌های دیگر، سنت و مستحب است.^۳

بن‌عثیمین به این نکته تصریح می‌کند که زیارت مقابر مدینه منوره، مانند قبر رسول الله ﷺ، قبور خلفای راشدین، قبور بقیع و شهدای احد، مشروع است.^۴

نظر وهابیان در شدّ رحال

لجنة افتای عربستان سعودی در پاسخ به سؤالی که حکم زیارت و سفر برای زیارت را خواستار می‌شود، چنین می‌گوید: «سفر برای زیارت قبور، خواه قبر نبی ﷺ یا انسان صالحی باشد و خواه غیر آن، جایز نیست...»^۵

ب: دلیل جایز نبودن سفر برای زیارت قبور نزد وهابیان

مهم‌ترین دلیل وهابیت بر حرمت شدّ رحال حدیثی است که معروف به روایت «شدّ الرحال»^۶ است. این روایت در صحیح بخاری و صحیح مسلم به این صورت آمده است: «لا تشدّ الرحال إلا إلى ثلاثة مساجد: المسجد الحرام، والمسجد الأقصى، ومسجدی هذا»^۷؛ «بار سفر بسته نشود، مگر برای سه مسجد، مسجد الحرام، مسجد الاقصی و این مسجد من.»

سلیمان بن عبدالله بن محمد بن عبدالوهاب، نوّه محمد بن عبدالوهاب، با استناد به همین روایت و با اینکه مستثنی‌منه را مسجد می‌گیرد، باز می‌گوید: «وقتی مسافرت کردن

۱. همان، ج ۴، ص ۳۵۱.

۲. همان، ج ۵، ص ۳۳۳.

۳. همان.

۴. العثیمین، محمد بن صالح، مجموع فتاوی، ج ۲۳، ص ۴۱۱.

۵. الدوبش، احمد بن عبد الرزاق، فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیه و الافتاء، ج ۹، ص ۱۱۵.

۶. العثیمین، محمد بن صالح، مجموع فتاوی و رسائل فضیلة الشیخ محمد بن صالح العثیمین، ج ۲، ص ۲۳۷.

بن باز، عبد العزیز بن عبد الله، فتاوی نور علی الدرب، ج ۲، ص ۲۶۳.

الدوبش، احمد بن عبد الرزاق، فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیه و الافتاء، ج ۱، ص ۴۳۱.

۷. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۳ ص ۴۳، ح ۱۹۹۵؛ نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۲

ص ۹۷۵، ح ۸۲۷.

به مسجدی غیر از این مساجد، جایز نباشد به طریق اولی مسافرت برای زیارت قبور جایز نیست و این عمل، مانند عمل اهل کتاب است.^۱

البانی در کتاب تفریغ فتاوی متنوعه^۲ و بن باز، مفتی اعظم سعودی، نیز همین نظر را دارند.^۳

ج: ارزیابی برداشت وهابیان از حدیث «لا تشد الرحال»

۱. مستثنی منه بودن مسجد، نه هر مکان

این حدیث ربطی به زیارت قبور ندارد، همان طور که احمد در مسند خود با سند صحیح به آن اشاره کرده است، روایت «لا تشد الرحال» را از ابوسعید الخدری می آورد که در آن روایت مستثنی منه از زبان پیامبر اکرم ﷺ بیان شده است و حضرت، مسجد را مستثنی منه این روایت قرار داده اند نه همه مکان ها را. احمد، روایت را این گونه بیان می کند: «لَا يَتَّبِعِي لِلْمَطِيِّ أَنْ تُشَدَّ رِحَالُهُ إِلَى مَسْجِدٍ يُتَتَعَى فِيهِ الصَّلَاةُ، غَيْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، وَالْمَسْجِدِ الْأَقْصَى، وَمَسْجِدِي هَذَا»؛^۴ «برای کسی که سفر می کند، سزاوار نیست که برای رفتن به مسجدی که نماز در آن سزاوار است، زاد و توشه ببندد، الا شدّ رحال به سوی مسجد الحرام و مسجد الاقصی و این مسجد من.»

این روایت صحیح^۵ و کاملاً برخلاف برداشت وهابیان است که مستثنی منه در روایت شدّ رحال را مکان گرفته اند. در این روایت تصریح شده است که منظور، نهی از شدّ رحال به سوی مساجد برای نماز خواندن است نه هر مکان دیگری.

سلیمان بن عبد الله بن محمد بن عبد الوهاب ضمن اینکه اعتراف دارد لفظ صریح در

۱. سلیمان بن عبد الله بن محمد بن عبد الوهاب، التوضیح عن توحید الخلاق فی جواب أهل العراق وتذکره أولی الأکباب فی طریقة الشیخ محمد بن عبد الوهاب، ص ۲۴۹.

۲. الالغیانی، محمد ناصر الدین، تفریغ فتاوی متنوعه للشیخ الالغیانی، ص ۳.

۳. بن باز، عبد العزیز بن عبد الله، فتاوی نور علی الدرب لابن باز، ج ۲، ص ۳۰۷.

۴. ابن حنبل، احمد، مسند احمد بن حنبل، ج ۱۸، ص ۱۵۲.

۵. این روایت را هبشی تصحیح کرده (هبشی، علی بن ابی بکر مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج ۴، ص ۳). ابوحنیفه کوفی در تخریج روایات فتح الباری هم تصحیح کرده (الکوفی، أبوحنیفه، أنیس الساری)

این روایت، نهی شدّ رحال به‌سوی مساجد را بیان می‌کند، نه مطلق مکان را، ولی به روایتی از ابن عمر استناد می‌کند که در آن شخصی از ابوسعید خدری سؤالی دربارهٔ رفتن به کوه طور می‌پرسد و او در جواب روایت شدّ رحال را می‌خواند. لذا سلیمان می‌گوید: «پس وقتی ابوسعید از رفتن به کوه طور نهی می‌کند، به‌طریق اولی رفتن به زیارت قبور منهی عنه است.»^۱ اما با مراجعه به اصل حدیث در مسند احمد بن حنبل^۲ می‌بینیم که در این روایت، بحث بر سر نماز خواندن است و سائل از ابوسعید خدری حکم نماز خواندن در کوه طور را می‌پرسد، نه شدّ رحال را، که ابوسعید هم در جواب سائل این روایت را بیان می‌کند و سزاوار نبودن شدّ رحال برای نماز خواندن در مسجدی غیر از مساجد سه‌گانه را بیان می‌کند، نه اینکه روایت درصدد بیان حکم هر شدّ رحالی باشد؛^۳ پس جواب وهابیان با استناد به این روایت صحیح نیست؛ چون اصلاً سؤال از شدّ رحال نیست که نهی در روایت، شامل آن شود.

ابن حجر عسقلانی استدلال به روایت شدّ رحال، برای اثبات حرمت سفر جهت زیارت قبور را به نقد می‌کشد و ابراز می‌دارد که بعضی از محققین گفته‌اند که در این عبارت، مستثنی‌منه محذوف است؛ پس این مستثنی‌منه یا عام است یا اخص، در فرض اول این‌گونه معنا می‌شود که بار سفر بستن به هر مکانی و برای هرکاری، جز این سه مکان، جایز نیست، که این معنا منجر به ممانعت از سفر برای تجارت و ... می‌شود؛ در نتیجه معنای دوم اثبات می‌شود و مستثنی‌منه را اخص می‌گیریم و بهتر این است که در این روایت مسجد را مقدر بدانیم.^۴

۱. سلیمان بن عبد الله بن محمد بن عبد الوهاب، تیسیر العزیز الحمید فی شرح کتاب التوحید الذی هو حق الله علی العیبد، ص ۳۰۴.

۲. «... لا ینبغی للمطی أن تشدّ رحاله إلى مسجد یتبغی فیہ الصلاة، غیر المسجد الحرام، والمسجد الأقصى، ومسجدی هذا.» (ابن حنبل، احمد، مسند احمد بن حنبل، ج ۱۸، ص ۱۵۲).

۳. «ففي هذا الحديث النصُّ على المستثنى منه المحذوف في غيره، وأنه مسجد، (الشنقيطي، محمد الخضر، كوثر المعاني الدّراري في كشف حَيَايا صحيح البخاري، ج ۱۱، ص ۱۳۵). «... فبين أن المراد شد الرحل إلى مسجد يتبغى فيه الصلاة لا كل سفر.» (عراقي، ابوالفضل، طرح التثريب في شرح التقریب، ج ۶، ص ۴۳).

۴. عسقلانی، ابن حجر، فتح الباری فی شرح الصحيح البخاری، ج ۳، ص ۵۳.

۲. تلازم برداشت وهابیان با حرام شدن سفرهای جایز

در صورتی که نظر وهابیان را بپذیریم و مستثنی منه را آن گونه که وهابیان می گویند، مسجد نگیریم؛ بلکه مکان در نظر بگیریم، بسیاری از کارهای مباح، مستحب و حتی واجب، عملی حرام و بدعت خواهد شد؛ مانند شدّ رحال برای رفتن به عرفه، که این سفر برای انجام مناسک حج، به اجماع مسلمین واجب است و عرفه از مساجد ثلاثه نیست؛ پس بنا بر قول وهابیان، این مسافرت واجب، حرام می شود، همچنین ناچاریم شدّ رحال به هر مکانی که در مباح بودن آن سفر شکی نیست، نامشروع بدانیم؛ مانند شدّ رحال برای طلب علم، شدّ رحال برای جهاد کردن، هجرت از بلاد کفر به بلاد اسلام برای اقامه اسلام، سفر برای زیارت والدین و نیکی به آنها و زیارت دوستان و صالحین، سفر برای تجارت.

ابن حجر هیتمی در الجوهر المنظم به همین نکته اشاره می کند و می گوید: «روایت شدّ رحال فقط این را ثابت می کند که برای تعظیم مسجدی و برای نماز در آن، به غیر از این سه مسجد نروید.»^۱

زینی دحلان، از علمای اهل سنت، در کتاب الدرر السنية في الرد على الوهابية می گوید:

باید مسجد را در این روایت در تقدیر گرفت و نمی توانیم چیز دیگری را در تقدیر بگیریم و الا شدّ رحال برای حج، جهاد، هجرت از دار الکفر، هجرت برای طلب علم و تجارت و ... منهی عنه است که هیچ کسی این قول را قبول ندارد.^۲

ابن عابدین حنفی که یکی از فقهای بزرگ مذهب حنفی است، در کتاب معروف خود به نام رد المحتار علی الدر المختار، علت تأکید پیامبر ﷺ بر شدّ رحال و سفر برای تشرّف به مسجد الحرام، مسجد النبی و مسجد الاقصی را ثواب مضاعف آنها می داند.^۳

زینی دحلان در ذیل آیه ۶۴ سوره نساء^۴ می گوید: «آیه بر این دلالت می کند که بین

۱. هیتمی، ابن حجر، الجوهر المنظم فی زیارت القبر الشریف النبوی المکرم، ص ۳۱.

۲. زینی دحلان، أحمد بن السید، الدرر السنية فی الرد علی الوهابية، ج ۱، ص ۱۸.

۳. ابن عابدین، محمد أمین بن عمر، رد المحتار علی الدر المختار، ج ۲، ص ۶۸۹ و ۶۹۰.

۴. «...وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَعَفَوْا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا»؛ و اگر آنان هنگامی که

کسی که با سفر به زیارت بیاید و کسی که بدون سفر بیاید، فرقی نیست.»^۱ ایشان دلیل سخن خود را لفظ «جاؤک» در آیه می‌داند که دلالت بر عموم دارد.^۲

قاضی سُبکی شافعی نیز در ذیل آیه ۶۴ سورهٔ نساء بیان کرده است که آیه، دلالت بر تشویق افراد برای آمدن نزد رسول گرامی اسلام ﷺ دارد، اگرچه این مسئله مربوط به زمان حیات ایشان است؛ اما این درجه و مرتبه برای پیامبر ﷺ همچنان وجود دارد و با مرگ ایشان قطع نمی‌شود.^۳ قاضی سُبکی نیز بحث آمدن به‌سوی قبر پیامبر اکرم ﷺ برای زیارت کردن ایشان را مطلق گذاشته و تخصیص نزده است که اگر همراه شدِّ رحال باشد، بدعت و اگر بدون آن باشد، سنت می‌شود.

ابن حجر هیتمی هم در ذیل آیه ۶۴ سورهٔ نساء می‌گوید: «این آیه دلالت بر این دارد که مقصود خداوند برانگیختن مؤمنان برای رفتن به‌سوی پیامبر ﷺ و استغفار کردن در نزد پیامبر ﷺ و استغفار پیامبر ﷺ برای آن‌ها... بوده است»^۴ او نیز بحث رفتن به‌سوی قبر پیامبر ﷺ را به‌صورت مطلق بیان کرده است و قید شدِّ رحال را برای آن نیاورده است.

۳. تضاد سخن وهابیان با سیره‌ی سلف در سفر برای زیارت قبر پیامبر ﷺ

با مراجعه به سیرهٔ پیامبر اکرم ﷺ و صحابه، درمی‌یابیم که سفر کردن با نیت زیارت قبور اولیای الهی، به‌ویژه قبر نبی مکرم اسلام ﷺ، نه‌تنها منع نشده است؛ بلکه برای آن ثواب در نظر گرفته شده است و یکی از عبادات به‌شمار می‌رود.

روایات درخصوص زیارت قبر پیامبر اکرم ﷺ و اولیای الهی به‌قدری زیاد است که برخی از بزرگان شیعه و اهل سنت درخصوص آن کتاب‌هایی را به رشتهٔ تحریر درآورده‌اند. در اینجا به‌عنوان نمونه، تعدادی از این روایات را متذکر می‌شویم.

→ به خود ستم کردند. نزد تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر هم برای آنان طلب آمرزش می‌کرد. یقیناً خدا را بسیار توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند.

۱. دحلان، احمد بن زینی، الدرر السنیة فی الرد علی الوهابیة، ص ۴.

۲. دحلان، احمد بن سید زینی، الدرر السنیة فی الرد علی الوهابیة، ص ۴.

۳. سبکی، تقی الدین، شفاء السقام فی زیارت خیر الانام، ص ۱۸۲.

۴. ابن حجر هیتمی، الجوهر المنظم فی زیارت القبر النبی الشریف المکرم، ص ۱۸.

اولین روایت، مربوط به بلال حبشی است که ابی‌الدرداء آن را این‌گونه نقل می‌کند: بلال، پیامبر را در خواب دید که به او می‌گوید: «ای بلال، این چه جفایی است؟ آیا وقت آن نرسیده است که مرا زیارت کنی؟» بلال از خواب بیدار شد، درحالی‌که محزون و ترسان بود؛ پس مرکب خود را سوار شد و آهنگ مدینه کرد و بر سر قبر پیامبر ﷺ آمد، آنجا می‌گریست و صورت خود را با خاک قبر، خاک‌مالی می‌کرد.^۱

قاضی سبکی در شرح این حدیث می‌گوید:

تکیه ما در مشروعیت سفر برای زیارت پیامبر ﷺ رؤیای بلال نیست؛ بلکه تکیه ما بر عمل بلال است. این عمل در زمان خلافت عمر با آن همه صحابه که در آن دوره بودند، صورت گرفته است و این جریان برای آن‌ها پوشیده نبوده است و هیچ اعتراضی نیز به بلال نکردند.^۲

سند این روایت هم صحیح است، چنان‌چه صالحی شامی، سمهودی و شوکانی تصحیح کردند.^۳

روایت بعدی، روایتی است که واقدی دربارهٔ رحال عمر بن خطاب، برای زیارت قبر پیامبر اکرم ﷺ نقل می‌کند:

ابن حوشب می‌گوید: «زمانی که کعب الأخبار نزد عمر، مسلمان شد، عمر از اسلام آوردن او خوشحال شد. او در آن موقع در بیت المقدس بود و عمر به کعب الأخبار گفت: "آیا می‌توانی با من به مدینه بیایی تا قبر پیامبر را زیارت کنی و از زیارت قبر او لذت ببری؟" گفت: "آری یا امیرالمؤمنین چنین خواهم کرد."^۴

این روایت صریح در جواز شد رحال به‌سوی قبر پیامبر اکرم ﷺ است که در آن، قصدی به جز قصد زیارت قبر پیامبر ﷺ بیان نشده است.

۱. ابن عساکر، ابو القاسم علی بن حسن، تهذیب تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۲۵۹.

۲. سبکی، تقی الدین، شفاء السقام فی زیارت خیر الانام، ص ۱۴۴.

۳. «وروی ابن عساکر بسند جید عن بلال» (الصالحی الشامی، محمد، سبل الہدی والرشاد، ج ۱۲، ص ۳۵۹). «کما رواه ابن عساکر بسند جید.» (السمهودی، علی بن عبد الله، وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی، ج ۴، ص ۱۸۲). «وَقَدْ رُوِيَ زِيَارَتُهُ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - عَنْ جَمَاعَةٍ مِنَ الصَّحَابَةِ مِنْهُمْ بِلَالٌ عِنْدَ ابْنِ عَسَاكِرَ بِسَنَدٍ جَيِّدٍ.» (شوکانی، محمد بن علی، نیل الأوطار، ج ۵، ص ۱۱۳ و ۱۱۴).

۴. واقدی، محمد بن عمر، فتوح الشام، ج ۱، ص ۲۴۴.

۴. تضاد سخن وهابیان با روایات دال بر سفر برای زیارت قبر نبی ﷺ

در روایات متعددی آمده است که پیامبر ﷺ تشویق می‌کند که به زیارت قبرش بروند، چنانچه دولابی و دارقطنی در سنن خود روایتی را این‌گونه بیان می‌کنند: «من زار قبری وجبت له شفاعتی»؛^۱ «کسی که قبر مرا زیارت کند، شفاعت من برای او واجب می‌شود.» بسیاری از علمای اهل سنت نیز این روایت را صحیح یا حسن می‌دانند.^۲ این حدیث و احادیث مشابه آن در بسیاری از کتب حدیثی اهل سنت آمده است و قاضی سبکی نیز در کتاب خود بر کثرت این روایات تأکید دارد.^۳

به‌عنوان مثال می‌توان به این احادیث اشاره کرد: «من زارنی بعد موتی فکانما زارنی فی حیاتی»؛^۴ «کسی که بعد از موتمن من را زیارت کند، مانند کسی است که در حیاتم من را زیارت کرده است.»، «من حجّ فزار قبری بعد وفاتی کان کمن زارنی فی حیاتی»؛^۵ «کسی که حج به‌جا آورد و من را بعد از وفاتم زیارت کند، مانند کسی است که در حیاتم من را زیارت کرده است.»

مسلم در کتاب خود روایتی از رسول الله ﷺ ذکر می‌کند که حضرت فرمودند: «قبور را زیارت کنید؛ زیرا شما را به یاد مرگ می‌اندازد.»^۶ همچنین ابن ماجه در سنن خود، روایتی درخصوص رفتن به زیارت قبور نقل می‌کند: «ابوهریره از رسول الله ﷺ نقل می‌کند که

۱. الدارقطنی، علی بن عمر، سنن الدارقطنی، ج ۳، ص ۳۳۴؛ دولابی، أبوبشر، الکنی والأسماء، ج ۲، ص ۸۴۶.

۲. ذهبی، شمس الدین، تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، ج ۱۱، ص ۲۱۳؛ ذهبی، شمس الدین، إثبات الشفاعة، ص ۵۲؛ أشیلي، عبد الحق، الأحكام الشرعية الصغرى «الصحيحة»، ج ۱، ص ۴۶۷؛ سبکی، تقی الدین، شفاء السقام فی زیارة خیر الانام صلی الله علیه وآله، ص ۹۸ و ۱۰۱؛ ابن الملتن، عمر، البدر المنیر فی تخریج الأحادیث والأثر الواقعة فی الشرح الكبير، ج ۶، ص ۲۹۶؛ السیوطی، جلال الدین، مناهل الصفا فی تخریج أحادیث الشفاء، ص ۲۰۸؛ القاری، علی بن محمد، شرح الشفاء، ج ۲، ص ۱۵۰؛ الکنوی، محمد عبد الحی، التعليق الممجّد علی موطأ محمد، ج ۳، ص ۴۸۲؛ سمهودی، علی بن عبد الله، وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفى، ج ۴، ص ۱۶۸؛ سندی، محمد بن عبد الهادی، حاشیة السندی علی سنن ابن ماجه ج ۲، ص ۲۶۸؛ علوی المالکی، سید محمد، زیارة النبوة بین البدعية و الشرعية، ص ۱۹؛ الغماری، أحمد بن الصدیق، إحياء المقبر، ص ۶۰؛ ممدوح، محمود سعید، رفع المنارة لتخریج أحادیث التوسل والزيارة، ص ۴۱۷؛ کامل، عمر عبد الله، التوسل بین الكتاب والسنة وأفعال الأمة، ص ۸۷.

۳. سبکی، تقی الدین، شفاء السقام فی زیارت خیر الانام، ص ۱۰۴.

۴. الدارقطنی، علی بن عمر، سنن الدارقطنی، ج ۳، ص ۳۳۳.

۵. طبرانی، سلیمان بن احمد، معجم الكبير، ج ۱۲، ص ۳۱۰.

۶. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۷۱.

ایشان فرمودند: "به زیارت قبور بروید که این باعث یادآوری آخرت می‌شود."^۱
در این روایات هم سفارش به زیارت قبور شده است؛ حالا چه با سفر باشد و چه بدون سفر. چنانچه زین‌الدین عراقی و ولی‌الدین عراقی چنین برداشت کرده‌اند.^۲
بنابراین از این روایاتی که از منابع اهل سنت آورده شده است به‌دست می‌آید که زیارت قبر پیامبر ﷺ مستحب و جایز است؛ چنانچه فقهای اهل سنت به این نکته اشاره کردند.^۳ این روایات علاوه بر اینکه در منابع اهل سنت وارد شده است، در منابع شیعه هم وارد شده است.

امام صادق علیه السلام از پدرشان از پیامبر اکرم ﷺ نقل می‌کنند: «من زارنی حياً و میتاً کنت له شفیعاً یوم القيامة»؛^۴ «کسی که من را زیارت کند، چه در حال حیات من و چه در حال مماتم، من روز قیامت شفیع او خواهم بود.»
امیرالمؤمنین، علی علیه السلام، نیز می‌فرماید:

وقتی برای زیارت خانه خدا بیرون می‌روید حجّ خود را با پیامبر خدا ﷺ به پایان ببرید؛ زیرا که ترک آن، جفاست و به این، امر شده‌اید و نیز حجّ خود را تمام کنید با قبرهایی که خداوند زیارت آن‌ها و ادای حق آن‌ها را بر شما لازم کرده است و نزد آن‌ها طلب روزی کنید.^۵

در این باب، روایات بسیار زیادی در منابع حدیثی شیعه و اهل سنت وجود دارد که درباره چگونگی زیارت و ثواب آن، از پیامبر اکرم ﷺ و ائمه وارد شده است، همچنین مرحوم علامه امینی در همین رابطه روایات بسیاری با سندهای مختلف و از کتب متعدد اهل سنت در کتاب شریف الغدير نقل کرده است.^۶

۱. ابن‌ماجه، سنن ابن‌ماجه، ج ۲، ص ۵۱۱. احمد حنبل، مسند أحمد، ج ۱، ص ۱۴۵.

۲. العراقي، أبو الفضل، طرح التثريب في شرح التقریب، ج ۶، ص ۴۳.

۳. ابن ضياء مکی حنفی، محمد، تاريخ مكة المشرفة والمسجد الحرام والمدینة الشريفة والقبر الشريف، ص ۳۳۷؛ البهوتي الحنبلي، منصور بن یونس، كشف القناع عن متن الإقناع، ج ۲، ص ۵۱۴؛ ابن قدامة المقدسی، عبد الله بن أحمد، المغني لابن قدامة، ج ۳، ص ۴۷۹.

۴. النووي، أبو زكريا يحيى بن شرف، المجموع شرح المهذب، دار الفكر، ج ۸، ص ۲۷۲.

۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۳۹.

۵. همان.

۶. امینی، عبدالحسین، الغدير، ج ۵، ص ۱۰۹ به بعد.

در تمام این روایات بحث زیارت قبور مطرح شده است و هیچ کدام فرقی بین دور یا نزدیک بودن زائر نگذاشته‌اند؛ بلکه به صورت مطلق آن را بیان کرده‌اند و برای آن ثواب در نظر گرفته‌اند و اگر سفر برای زیارت حرام بود می‌بایست در خود این روایات تذکر داده می‌شد؛ چون اکثر مسلمین ساکن مدینه نبوده و نیستند و زیارت آن‌ها مستلزم سفر است و اگر افراد خارج مدینه استثنا شوند، تخصیص اکثر لازم می‌آید که قبیح است.

د: وهابیان و تضعیف روایات استحباب زیارت قبر پیامبر ﷺ

علمای وهابی، همچون البانی^۱ و صالح فوزان،^۲ این روایات را تضعیف کردند، چنانچه سلیمان بن عبدالله بن عبدالوهاب، نوۀ محمد بن عبدالوهاب، می‌گوید: «به اتفاق غالب اهل علم، تمامی این روایات کذب و موضوعند.»^۳

ه: نقد نظریۀ ضعف سند روایات استحباب زیارت قبر پیامبر ﷺ

وهابیان درحالی ادعا به کذب و موضوع بودن این روایات می‌کنند، درحالی که بسیاری از علمای اهل سنت این روایات را تصحیح کردند و قبلاً بیان شده است. همچنین قاضی سبکی در شفاء السقام قریب به بیست روایت از کتب معتبر اهل سنت با اسناد صحیح یا حسن در باب زیارت و سفر، برای زیارت می‌آورد که این روایات یا صریح در جوازند و به شدّ رحال و سفر برای زیارت قبر پیامبر اکرم ﷺ تشویق می‌کنند یا به صورت مطلق بیان شده است و هیچ کدام تخصیص نزده‌اند که فضیلت زیارت برای کسی است که بدون شدّ رحال به زیارت بیاید^۴ و اصلاً تخصیص خوردن این روایات معنایی ندارد؛ بلکه عقلاً و شرعاً صحیح نیست که عملی مستحب، ولی مقدمه آن حرام باشد. این درحالی است که تمامی وهابیان عقیده دارند زیارت قبر پیامبر ﷺ مستحب است؛ پس چگونه می‌توان قبول کرد

۱. البانی، محمد ناصر الدین، إرواء الغلیل فی تخریج أحادیث منار السبیل، ج ۴، ص ۳۳۶؛ البانی، محمد ناصر الدین، ضعیف الجامع الصغیر و زیادته، ص ۸۰۸.

۲. فوزان، صالح بن فوزان بن عبد الله، کتب الردود، ج ۵، ص ۲۵۳.

۳. سلیمان بن عبد الله بن محمد بن عبد الوهاب (م ۱۲۳۳ق)، التوضیح عن توحید الخلاق فی جواب أهل العراق وتذکره أولی الاگیاب فی طریقة الشیخ محمد بن عبد الوهاب، ص ۲۵۱.

۴. سبکی، تقی الدین، شفاء السقام فی زیارت خیر الانام، ص ۸۷-۱۸۴.

که سفر کردن مسلمین برای انجام این فعل مستحب، حرام است و این همه روایات متضافر را رمی به کذب و وضع کنند.

علاوه بر این، خود سبکی به این نکته اشاره می‌کند که این روایاتی که ما ذکر کردیم گزیده‌ای از روایات بود و روایات دیگری هم در این باب وجود دارد که اگر آن‌ها را هم به این‌ها اضافه کنیم، باعث قوّت این احادیث می‌شود و گاهی این روایات حسن، با تضافر و کمک روایات دیگر به درجه روایات صحیح می‌رسند.^۱

و: نظر بزرگان اهل سنت درباره زیارت قبور

یکی از بزرگان اهل سنت حنفی مذهب، خلیل احمد سهارنپوری است. او در کتاب معروف خود به نام المهند علی المفند که به تأیید بسیاری از علمای اهل سنت هند رسیده است، درباره زیارت قبر پیامبر اکرم ﷺ بیان می‌کند:

نزد ما علمای دیوبند و همچنین بزرگان ما، از علمای احناف، زیارت قبر سرور پیامبران ﷺ از موجبات بزرگ قرب الهی و از مستحبات مهم و از موجبات بسیار مؤثر در رسیدن به درجات عالیه است، حتی زیارت قبر نبی اکرم ﷺ قریب به وجوب است؛ اگرچه این زیارت، شدّ رحال و بستن بار سفر به آنجا و بذل جان و مال را همراه داشته باشد.^۲

ایشان در این کتاب صریحاً شدّ رحال برای زیارت قبر پیامبر اکرم ﷺ را جایز، بلکه قریب به واجب دانسته و به آن ترغیب کرده است.

نووی نیز در فضیلت زیارت قبر پیامبر اکرم ﷺ می‌گوید: «واعلم أنّ زیارة قبر رسول الله ﷺ من أهمّ القربات...»؛ «زیارت قبر رسول الله ﷺ از وسایل مهم در قرب به خداوند و بهترین کارگشاست... و زائر به همراه نیت زیارت، نیت تقرب و بستن بار سفر به سوی قبر حضرت و نماز در آنجا را هم داشته باشد.»^۳

ابن‌الحاج، فقیه و عارف مشهور، از علمای مالکی مذهب، در کتاب المدخل این‌گونه

۱. همان، ص ۱۸۵.

۲. سهارنپوری، خلیل احمد، المهند علی المفند، ص ۳۳.

۳. نووی، یحیی بن شرف الشافعی، المجموع شرح المذهب، ج ۸، ص ۲۷۲.

می‌گوید: «زیارت، یک عمل مطلوب است که با قصد و شدّ رحال انجام می‌پذیرد و کسی که به قصد زیارت خارج شود و قصدی غیر از آن نداشته باشد، در حال بهترین عبادات است؛ پس خوشا به حال او...»^۱

همین طور ابی زکریا یحیی بن شرف النووی، از علمای شافعی، در کتاب المجموع آورده است:

زیارت قبر رسول الله ﷺ از چیزهای مهمی است که باعث نزدیکی به خداوند می‌شود؛ پس هنگامی که حجاج از مکه برگشتند، مستحب مؤکد است که برای زیارت پیامبر ﷺ به سوی مدینه بروند و زائر نیز نیت تقرب و سفر برای زیارت و نماز در آن مکان بکند.^۲

ابن الحاج مالکی که هم‌عصر ابن تیمیه بوده است در کتاب شرح الرسالة در اهمیت فوق العاده حرکت و سفر برای زیارت مرقد مقدس نبوی ﷺ و ترجیح آن بر حرکت و سفر برای زیارت کعبه و بیت المقدس می‌گوید: «حرکت به سوی مدینه برای زیارت قبر پیامبر اکرم ﷺ، افضل از حرکت به سوی کعبه و بیت المقدس است.»^۳

حصنی دمشقی شافعی که از فقهای مطرح اهل سنت در قرن هشتم می‌باشد، در تأیید سخن ابن الحاج ابراز می‌کند: «ابن الحاج درست و نیکو گفت؛ زیرا قبر پیامبر اکرم ﷺ، به اجماع مسلمین، با فضیلت‌ترین بقعه است.»^۴

علامه لکنوی در ردیه بر محمد بشیر سهسوانی^۵ وهابی، سه رساله به نام‌های ۱. الکَلَام المبرم فی نقض القول المَحَقَّق المَحْکَم؛ ۲. الکَلَام المبرور فی رد القول المَنْصُور؛ ۳. السعی المشکور فی رد المَذْهَب المَأْثُور می‌نویسد.^۶

۱. ابن الحاج، المدخل، جزء الاول، ص ۲۵۶.

۲. النووی، ابی زکریا یحیی بن شرف، المجموع فی شرح المذهب، جزء ۸، ص ۲۷۲.

۳. ابن الحاج، عبدی فاسی مالکی، أبو عبد الله، شرح الرسالة، ص ۲۵۶.

۴. الحصنی دمشقی، تقی الدین، دفع الشبه عن الرسول و الرسالة، ص ۱۸۸.

۵. وقتی محمد بشیر سهسوانی از علمای وهابی هندوستان است که به حج می‌رود و به زیارت قبر نبی نمی‌رود، لذا علامه لکنوی این ۳ رساله را بر رد سهسوانی می‌نویسد.

۶. اللکنوی الهندی، محمد عبد الحی، الرفع والتکمیل فی الجرح والتعديل، المحقق: عبد الفتاح أبو غدة، حلب: مکتب المطبوعات الإسلامية، چاپ سوم، ۱۴۰۷ق. ص ۲۱۱.

می‌بینیم با اینکه بسیاری از علمای اهل سنت، این برداشت از روایت شدّ رحال را برداشتی غلط می‌دانند؛ ولی باز وهابیان اصرار دارند که این برداشت را صحیح بدانند و سفر برای زیارت قبر پیامبر ﷺ را غیرمجاز بشمارند.

نتیجه

با توجه به مطالبی که بیان شد به این نتیجه می‌رسیم که روایات، عمل صحابه و نظرات بزرگان علمای اسلام، همه بر این است که سفر برای زیارت قبور اولیای الهی، به‌ویژه قبور صالحان و انبیا و در رأس آن‌ها پیامبر اعظم اسلام ﷺ، فضیلت زیادی دارد و از افضل عبادات و قربات است و بر آن تأکید شده است و چون مقدمه زیارت قبور، طّی طریق و شدّ رحال است، سفرهای زیارتی هم به دلالت التزامی - به فرض اینکه هیچ روایتی درخصوص ترغیب به چنین سفرهایی وجود نداشته باشد و هیچ فقیهی به صراحت به استحباب یا اباحه چنین سفرهایی فتوا نداده باشد - مستحب و لااقل مباح و مشروع است و نظر وهابیان که این نوع سفر را حرام و بدعت می‌دانند، خلاف سنت و سیره مسلمین است؛ بلکه آنان با تمسک به روایتی که اصلاً در مقام بیان سفر برای زیارت نیست، حکم حرمت را بر این نوع از سفرها صادر کرده‌اند و عمل مسلمین را بدعت در دین معرفی می‌کنند؛ درحالی که خود، مبدع در دین‌اند و عملی را که مستحب یا حداقل مباح است، حرام و بدعت معرفی کردند و با این اقدام، بسیاری از مسلمانان را از فیض زیارت رسول گرامی اسلام ﷺ محروم کردند.

منابع

۱. ابن الملن، عمر بن علي، **البدر المنير في تخريج الأحاديث والآثار الواقعة في الشرح الكبير**، تحقيق: مصطفى أبو الغيط وعبد الله بن سليمان وياسر بن كمال، رياض: دار الهجرة للنشر والتوزيع، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.
۲. ابن ضياء مكي حنفي، محمد، **تاريخ مكة المشرفة والمسجد الحرام والمدينة الشريفة والقبر الشريف**، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ دوم.
۱. ابن حجر هيثمي، احمد بن حجر، **الجواهر المنظم في زيارة القبر الشريف النبوي المكرم**، قاهره: دار جوامع الكلم، بی‌چا، بی‌تا.
۲. ابن حنبل، احمد، **مسند أحمد بن حنبل**، تحقيق: شعيب الأرنؤوط وعادل مرشد و دیگران، مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۳. ابن حنبل شيباني، احمد بن محمد، **مسند الإمام أحمد بن حنبل**، تحقيق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، وآخرون، بی‌جا: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۴. ابن عابدين، محمد امين بن عمر، **رد المحتار على الدر المختار**، بيروت: دار الفكر، چاپ دوم، ۱۴۱۲ق.
۵. ابن قدامة المقدسي، عبد الله بن أحمد، **المغني لابن قدامة**، مكتبة القاهرة، ۱۳۸۸ق.
۶. ابن ماجه قزويني، محمد بن يزيد، **سنن ابن ماجه**، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، بی‌جا: دار إحياء الكتب العربية، بی‌چا، بی‌تا.
۷. أشبيلي، عبد الحق بن عبد الرحمن، **الأحكام الشرعية الصغرى «الصحيحة»**، محقق: أم محمد بنت أحمد الهليس، أشرف عليه وراجع له: خالد بن علي بن محمد العنبري، قاهره: مكتبة ابن تيمية، جده: مكتبة العلم، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۸. الألباني، محمد ناصر الدين، **تفريغ فتاوى متنوعة للشيخ الألباني**، بی‌جا: بی‌نا، بی‌چا، بی‌تا.
۹. بخارى، محمد بن اسماعيل، **الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله وسننه وأيامه (صحيح البخاري)**، تحقيق: محمد زهير بن ناصر، بی‌جا: دار طوق النجاة، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۱۰. بن باز، عبد العزيز بن عبد الله، **مجموع فتاوى العلامة عبد العزيز بن باز**، رياض: بی‌نا، بی‌چا، بی‌تا.
۱۱. بن باز، عبد العزيز بن عبد الله، **فتاوى نور على الدرب لابن باز**، بی‌جا: بی‌نا، بی‌چا، بی‌تا.
۱۲. البهوتى الحنبلى، منصور بن يونس، **كشف القناع عن متن الإقناع**، دار الكتب العلمية.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعة**، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم:

- مؤسسة آل البيت (عليه السلام)، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۱۴. الحصنى دمشقى، تقى الدين، **دفع الشبه عن الرسول ورساله**، تحقيق: لجنة من العلماء، قاهره: دار احياء الكتب العربى، چاپ دوم، ۱۴۱۸ق.
۱۵. الدارقطنى، علي بن عمر، **سنن الدارقطنى**، تحقيق: شعيب الارنؤوط، حسن عبد المنعم شلبي، عبد اللطيف حرز الله، أحمد برهوم، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
۱۶. دحلان، احمد بن زينى، **الدرر السنيه فى الرد على الوهابيه**، بيروت: مكتبة الاحباب، بى چا، ۱۴۲۴ق.
۱۷. دولاى، أبوبشر محمد بن أحمد، **الكنى والأسماء**، ج ۲، محقق: أبو قتيبة نظر محمد الفاريابي، بيروت: دار ابن حزم، چاپ ول، ۱۴۲۱ق/ ۲۰۰۰م.
۱۸. الدويش، احمد بن عبد الرزاق، **فتاوى اللجنة الدائمة للبحوث العلميه و الافتاء**، رياض: دار العاصمة، بى چا، ۱۴۱۳ق.
۱۹. الدويش، أحمد بن عبد الرزاق، **فتاوى اللجنة الدائمة للبحوث العلميه والإفتاء**، الرئاسة العامة للبحوث العلميه والإفتاء.
۲۰. ذهبي، شمس الدين، **إثبات الشفاعة**، محقق: إبراهيم باجس عبد المجيد، أضواء السلف، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۲۱. ذهبي، شمس الدين، **تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام**، محقق: عمر عبد السلام التدمري، بيروت: دار الكتاب العربى، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۲۲. زيني دحلان، أحمد بن السيد، **الدرر السنيه في الرد على الوهابيه**، دمشق: دار غار حراء، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
۲۳. سبكي، تقى الدين، **شفاء السقام فى زيارت خير الانام**، تحقيق: حسين محمد على شكرى، بيروت: دارالكتب العلميه، چاپ اول، بى تا.
۲۴. سبكي، تقى الدين، **شفاء السقام في زيارة خير الأنام صلى الله عليه وآله**، تحقيق: سيد محمد رضا حسيني جلالى، چاپ چهارم، ۱۴۱۹ق.
۲۵. سليمان بن عبد الله بن محمد بن عبد الوهاب، التوضيح عن توحيد الخلاق في جواب أهل العراق وتذكرة أولي الألباب في طريقة الشيخ محمد بن عبد الوهاب، رياض: دار طيبة، بى چا، ۱۴۰۴ق.
۲۶. سليمان بن عبد الله بن محمد بن عبد الوهاب، **تيسير العزيز الحميد في شرح كتاب التوحيد الذى هو حق الله على العبيد**، ج ۱، ص ۳۰۴. زهير الشاويش، بيروت: المكتب الاسلامي، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
۲۷. السمهودى، نور الدين على بن احمد، **وفاء الوفا باخبار دار المصطفى**، تحقيق: محمد محيى

- الدين عبد الحميد، بيروت: مكتبة العصرية، بی‌جا، ۱۴۳۲ق.
۲۸. سمهودي، علي بن عبد الله، **وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفى**، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۲۹. سندی، محمد بن عبد الهادي، حاشية السندی على سنن ابن ماجه = كفاية الحاجة في شرح سنن ابن ماجه، بيروت: دار الجيل، بيروت.
۳۰. سهانپوری، خليل احمد، **عقائد علماء أهل السنة الديوبندية (المهتد على المفئد)**، تحقيق: دكتور سيد طالب الرحمن، رياض: جامعة الإمام محمد بن سعود الاسلامية، چاپ اول، ۱۴۲۷ق.
۳۱. السيوطي، جلال الدين، **مناهل الصفا في تخريج أحاديث الشفا**، محقق: الشيخ سمير القاضي، مؤسسة الكتب الثقافية - دار الجنان للنشر والتوزيع، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۳۲. شمس شامی، محمد بن يوسف، **سبل الهدى و الرشاد في سيرة خير العباد**، محقق: على محمد معوض، بيروت: دارالكتب العلمية، بی‌جا، ۱۴۱۴ق.
۳۳. شوکانی، محمد بن علی بن محمد، **نیل الاوطار من اسرار منتقى الخبر**، تحقيق: عصام الدين الصبايطی، مصر: دارالحديث، بی‌جا، ۱۴۱۳ق.
۳۴. شوکانی، محمد بن علی، **نیل الاوطار**، تحقيق: عصام الدين الصبايطی، مصر: دار الحديث، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۳۵. الصالحی الشامي، محمد، **سبل الهدى والرشاد، في سيرة خير العباد، وذكر فضائله وأعلام نبوته وأفعاله وأحواله في المبدأ والمعاد**، تحقيق وتعليق: الشيخ عادل أحمد عبد الموجود، الشيخ علي محمد معوض، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۳۶. طبرانی، سليمان بن احمد، **المعجم الكبير**، بيروت: دارالكتب العلمية، بی‌جا، بی‌تا.
۳۷. العثيمين، محمد بن صالح، **مجموع فتاوى ورسائل فضيلة الشيخ محمد بن صالح العثيمين**، جمع وترتيب: فهد بن ناصر بن إبراهيم السليمان، دار الوطن - دار الثريا، الطبعة الأخيرة، ۱۴۱۳ق.
۳۸. العراقي، أبو الفضل زين الدين عبد الرحيم، **طرح التثريب في شرح التقریب (المقصود بالتقریب: تقریب الأسانید وترتيب المسانید)**، أكمله ابنه: أحمد بن عبد الرحيم بن الحسين الكردي الرازياني ثم المصري، أبو زرة ولي الدين، ابن العراقي، الطبعة المصرية القديمة - صورتها دور عدة منها (دار إحياء التراث العربي، ومؤسسة التاريخ العربي، ودار الفكر العربي).
۳۹. عسقلانی، ابن حجر، **فتح الباری فی شرح صحيح البخاری**، رياض: دار ابن جوزی، چاپ اول، بی‌تا.
۴۰. القاري، علي بن محمد، **شرح الشفا**، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.

٤١. الكوتبي، أبوحذيفة، **أنيس الساري في تخريج وتحقيق الأحاديث التي ذكرها الحافظ ابن حجر العسقلاني في فتح الباري**، المحقق: نبيل بن منصور بن يعقوب البصرة، بيروت: مؤسسه السّماحة، مؤسسه الريّان، چاپ اول، ١٤٢٦ق/٢٠٠٥م.
٤٢. اللكنوي الهندي، محمد عبد الحي، **الرفع والتكميل في الجرح والتعديل**، المحقق: عبد الفتاح أبو غدة، حلب: مكتب المطبوعات الإسلامية، چاپ سوم، ١٤٠٧ق.
٤٣. اللكنوي، محمد عبد الحي، **التعليق الممجد على موطأ محمد (شرح لموطأ مالك برواية محمد بن الحسن)**، تعليق وتحقيق: تقي الدين الندوي، دمشق: دار القلم، دمشق، چاپ چهارم، ١٤٢٦ق.
٤٤. نووي، يحيى بن شرف، **المجموع شرح المذهب**، بيروت: دار الفكر، بی جا، بی تا.
٤٥. النووي، أبو زكريا يحيى بن شرف، **المجموع شرح المذهب**، دار الفكر.
٤٦. نیشابوری، مسلم بن حجاج، **صحيح مسلم**، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، بی جا، بی تا.
٤٧. واقدی، محمد بن عمر، **فتوح الشام**، بی جا: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٧ق.
٤٨. هيثمي، ابن حجر، **الجواهر المنظم فى زيارت القبر الشريف النبوى المكرم**، تحقيق: محمد زينهم محمد عرب، قاهره: مكتبه مدبولی، بی جا، بی تا.
٤٩. هيثمي، علي بن ابي بكر، **مجمع الزوائد ومنبع الفوائد**، تحقيق: حسام الدين القدسي، قاهره: مكتبة القدسي، ١٤١٤ق.